

محاولة بائسة: تلاش عاجزانه

(بَلْ قَالُوا أَضْغَاتُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَنُ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ) [الأنبياء: 5] هذا القول يكرّره الذين يكفرون بملكوت السماوات ويكذبون رسل الله في كل زمان، يكررونه مع كل رسالة وكأنهم تواصلوا به وبتكراره.

«گفتند: بلکه خواب‌هایی آشفته و پریشان است، بلکه آن را به دروغ بر بافته، بلکه او شاعر [خیال‌پردازی] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه‌های بیاورد مانند معجزاتی که پیامبران گذشته را [با آن‌ها] فرستادند»¹. این سخن را کافران به ملکوت آسمان و تکذیب‌کنندگان رسولان خدا در هر زمان و در مقابل رسالت هر رسولی تکرار می‌کنند، به‌طوری که گویا همدیگر را به گفتن این کلام و تکرارش توصیه کرده‌اند.

ومن محاولاتهم البائسة لإثبات أنّ رؤى المؤمنين ما هي إلا أضغاث أحلام؛ هو الكذب على الله وافتراء رؤى مكذوبة (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ) [الأنعام: 93].

یکی از تلاش‌های عاجزانه آن‌ها برای اثبات این که رؤیای مؤمنان خواب‌های پریشان است، این است که بر خدا دروغ می‌بندند و خواب‌های دروغینی تعریف می‌کنند: «چه کسی ستم‌کارتر از کسی است که به خدا دروغ می‌بندد، یا می‌گوید: به من وحی شده؛ در حالی که چیزی به او وحی نشده است، و نیز کسی که بگوید: من به‌زودی مانند آن‌چه خدا نازل کرده نازل می‌کنم؟! ای کاش

¹ قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۵.

ستمکاران را هنگامی که در سختی‌ها و شداید مرگ‌اند ببینی در حالی که فرشتگان دست‌های خود را [به‌سوی آنان] گشوده [و فریاد می‌زنند] جان‌تان را بیرون کنید، امروز به سبب سخنانی که به ناحق درباره خدا می‌گفتید و از پذیرفتن آیات او تکبر می‌کردید، به عذاب خوارکننده‌ای مجازات می‌شوید»².

هو أمر عند الله عظيم، ولكنه عند هؤلاء المنكوسين هين. فهم بكل سهولة يقومون بتأليف رؤى مكذوبة ضد خليفة الله في زمانهم، في محاولة بائسة للطعن بشهادة الله أمام المؤمنين، وفي نفس الوقت هم يقولون إنهم لا يعتقدون بالرؤيا وبأنها دليل تشخيص لخليفة الله في أرضه، وهذا يكشف كذبتهم ومحاولتهم للفرار من إلزامهم بآلاف الرؤى الواضحة والموافقة لنص تشخيص خليفة الله، والتي رآها عدد من الناس يمتنع تواطؤهم على الكذب.

این مسئله‌ای است که نزد خداوند، بزرگ است. ولی نزد این افراد وارونه، آسان است. آنان به راحتی، اقدام به درست کردن رؤیاهای دروغین، علیه خلیفه خداوند در زمانشان می‌کنند؛ و این کارشان، تلاش نا امیدانه‌ای برای طعنه‌زدن به گواهی خداوند، در مقابل مؤمنین است؛ درحالی که آنان می‌گویند به رؤیا اعتقاد ندارند و اینکه دلیل تشخيص خلیفه خداوند در زمین باشد. این مسئله، از دروغ آنان پرده بر می‌دارد و تلاش می‌کند که از ملزم شدن به هزاران رؤیای روشن و موافق با نص تشخيصی خلیفه خداوند فرار کنند. همان چیزی که تعدادی از مردم، آن را دیدند که همدستی آنان بر دروغ ممتنع است.

وأيضاً هؤلاء المنكوسون عندما يكذبون ويؤلفون رؤى لا يلتفتون إلى أن هذا الأمر أصبح كشفه بسيطاً جداً بعد آدم (عليه السلام)؛ حيث إن هناك نصاً من خليفة سابق وهو نص إلهي، فنص الله على خليفة بالرؤيا حتماً مطابق له ولا يخالفه،

² قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۹۳.

وبالتالي فكل من يؤلف رؤيا كذباً وزوراً مخالفة لنص الخليفة السابق يتبين أنه كاذب على الله ³.

همچنین این افراد هنگامی که دروغ می گویند و خواب های دروغینی را گردآوری می کنند، به این امر توجه ندارند که کشف این امر بعد از حضرت آدم (ع) بسیار ساده گشته، چون نصی از خلیفه گذشته که همان نص خداست وجود دارد؛ پس نص خداوند بر خلیفه اش از طریق رؤیا حتما مطابق با نص خداوند بر خلیفه اش از طریق خلیفه سابق است و امکان ندارد که مخالف آن باشد؛ و در نتیجه، هرکس رؤیای دروغینی گردآوری می کند که مخالف نص خلیفه گذشته است، همان سخن و ادعای رؤیایش نشان می دهد که او به خدا دروغ می بندد. ⁴

وعموماً، هم يريدون الوصول إلى نتيجة من هذا الكذب؛ وهي الطعن في الرؤيا عموماً وفي أهميتها، فكأنهم يقولون إن رواهم (المكذوبة) تنقض رؤى المؤمنين (الصادقة)، فتسقط حجية رؤى المؤمنين، أي أنهم يحاولون أو يريدون الطعن في ملكوت السماوات من خلال الافتراء على ملكوت السماوات، أي بطريقة غاية في الخبث والشيطنة، فهم يريدون أن يقولوا: إن الأخبار التي أتت من ملكوت السماوات متضاربة، وبالتالي تتساقط. وهذا يعني أنهم يعتقدون ببطلان الرؤى من رأس وأنها لا قيمة ولا حجية لها أصلاً. فالذي يعتقد أن الرؤى من ملكوت السماوات، وأنها كلام الله يعلم قطعاً ويقيناً أنها تصب في اتجاه واحد وتشير لحقيقة واحدة؛ لأنها كلمات الله وبالتالي فلا تضارب حقيقي بينها. نعم، هناك تضارب بين رؤى حقيقية وأكاذيب وأوهام وسفاهات شيطانية تبدأ بالطعن برؤى المؤمنين، ثم الطعن بملكوت السماوات، وأخيراً تنتهي بتكذيب القرآن القائل: (وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ... قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيداً يَعْلَمُ

³ ربما يشكل هؤلاء الكاذبون؛ ويقولون: لماذا لا يكون المخالف لنا هو الكاذب ؟ وهذا جوابه يعرض رؤاهم ورؤى مخالفهم على نص خليفة الله السابق الموصوف بأنه عاصم من الضلال، فالرؤى التي تطابقه هي الصادقة؛ لأن الله واحد وقوله واحد، والتي تخالفه يتبين أنها رؤى مكذوبة أو مجرد أوهام نفس شيطانية.

⁴ گاهی این دروغگويان اشکال می گیرند و می گویند: از کجا معلوم است که رؤیای مخالف ما دروغ نباشد؟! پاسخ این نیز تنها با عرضه کردن رؤیای آنها و رؤیای مخالفان شان بر نص خلیفه گذشته خدا که موصوف به «بازدارنده از گمراهی» است روشن می شود؛ پس رؤیاهایی که موافق با آن نص تشخیصی و وصیت خلیفه قبل باشد صادق است، چون خدا یکی است و کلام او نیز یکی است؛ و آن رؤیاهایی که مخالف با نص و وصیت خلیفه سابق است، دروغین بوده یا صرف اوهام نفس شیطانی است.

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) [عنکبوت: 50، 52]۔ بل وتکذیب الواقع الذي نقله التاريخ من شهادة الله لمن آمنوا بعيسى (عليه السلام) وبمحمد (صلی الله علیه وآله) وبعلي (عليه السلام) وبالحسن وبالحسين (عليهما السلام) و... و... و....

به طور کلی این مدعیان از این دروغگویی به دنبال طعنه زدن به رؤیا و اهمیت آن هستند. گویی می خواهند بگویند که رؤیاهای دروغین آن ها ناقض رؤیاهای صادق مؤمنان است؛ لذا حجیت رؤیاهای مؤمنان نیز ساقط می شود، یعنی آن ها تلاش می کنند که ملکوت آسمان ها را از طریق دروغ بستن بر ملکوت آسمان ها نفی کنند، یعنی به طریقه ای که نهایت خبث و شیطنیت است. می خواهند بگویند اخباری که از ملکوت آسمان ها می آید در تضاد با هم هستند در نتیجه از اعتبار ساقط می شوند، یعنی آن ها از اساس معتقد به بطلان رؤیاها هستند و می گویند که رؤیاها و اخبار ملکوتی هیچ ارزشی و هیچ حجیتی ندارند. آن که اعتقاد به این دارد که رؤیاها از ملکوت آسمان ها است و آن رؤیاها کلام خداوند است، قطعاً و یقیناً می داند که همه رؤیاها از یک جا ناشی می شوند و به یک حقیقت اشاره می کنند، چون همگی کلمات خدا هستند و در نتیجه تعارض واقعی بین آن ها نیست. البته تعارضی بین رؤیاهای حقیقی و دروغ ها و اوهام و سفاهت های شیطانی وجود دارد که با طعنه زدن به رؤیای مؤمنان شروع می شود و سپس طعنه زدن به ملکوت آسمان ها و در نهایت به تکذیب قرآن منتهی می شود که فرموده است: «و گفتند چرا معجزاتی از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو معجزات فقط نزد خدا هستند... بگو این که خدا بین من و شما شهادت می دهد کفایت می کند؛ او آن چه در آسمان ها و زمین است را می داند»⁵۔ بلکه منجر به تکذیب واقعیتی که تاریخ درباره شهادت خداوند برای مؤمنان به عیسی^(ع) و محمد^(ص) و علی^(ع) و حسن^(ع) و حسین^(ع) و ... نقل کرده است می شود.

وعموماً فالأمر واضح، والطريق مقطوع على المكذبين كما بيّنت سابقاً أنه لا يجب الالتفات إلى الرؤى المدعاة في نفي خلافة الله في أرضه عن شخص؛ لأنّ ما ثبت شرعاً هو أنها تأتي كدليل تشخيص وليس دليل معارضة أو نفي عمّن ثبت فيه النص الشرعي من خليفة سابق.

به طور کلی مسئله بسیار روشن و راه برای تکذیب کنندگان بسته است؛ و همان طور که بیان کردم، به رؤیاهایی که ادعا می شود در نفي خلافت الهی شخصی دیده اند نباید توجه کرد، چون آن چه از نظر شرعی ثابت است این که رؤیا به عنوان دلیلی برای تشخیص مصداق خلیفه خدا می آید، نه این که دلیلی برای معارضة یا رد کسی که نص شرعی از سوی خلیفه سابق در حق او ثابت شده باشد به کار رود.